

## فاخر مکین - شاعری شہیر از شہر لکھنو

سید انوار احمد\*

طبق بیان حسین علی خان عظیم آبادی<sup>۱</sup> وطن نیاکان فاخر مکین (م: ۱۲۱۲ هـ) شہرکی در ایران موسوم به «نطنز» بود. جدّ اعلاّی او آقا عبدالرحیم به معیت علی مردان خان که خصوصاً برای مسافرت ہند از جانب امپراطور مغول شاہجہان دعوت شدہ بود. در این کشور وارد شد و پس از ورود بہ پایتخت دہلی آقای عبدالرحیم ہمان جا توطن اختیار کرد. فرزند وی آقا عبدالکریم کہ ہمراہ پدر بہ دہلی رسیدہ بود با دختر قاسم<sup>۲</sup> کاهی شاعری نامور بہ دربار پادشاہ اکبر ازدواج کردہ بود. پدر فاخر مکین آقا محمد اشرف ہنگام استناداری ابراہیم خان در کشمیر متولد شدہ بود کہ در آن زمان جدّ فاخر مکین یکی از مستخدمان ذی نفوذ او بود. بہ جہت این کہ آقا محمد اشرف پدر فاخر مکین در کشمیر بدنیا آمدہ، بعضی تذکرہ نگاران فاخر مکین را اہل کشمیر محسوب می کنند.

---

\* استاد بازنشستہ فارسی دانشگاه پتنا، پتنا.

۱. عاشقی عظیم آبادی، حسین قلی خان (ت: ۱۱۹۴ هـ) پسر آقا علی خان: نشتہ عشق (تألیف: ۳۳-۱۲۲۴ هـ) (خطّی)، شمارہ ۷۱۶، گنجینہ بانکی پور، کتابخانہ عمومی خاورشناسی خدابخش.
۲. نجم الدین ابوالقاسم کابلی متخلص بہ «کاهی» بہ زبان فرمانروایی پادشاہ اکبر بہ سال ۹۶۴ ہجری بہ ہند ورود کرد. در ایام جوانی بہ خدمت مولانا جامی رسید و بہ توجّہات فیض بخش او مستفیض شد. در ہند بہ شہر بنارس اقامت می داشتہ و گاهی در آگرہ مقیم می ماندہ و ہمین جا تاریخ ۲ ربیع الثانی بہ سال ۹۸۸ ہجری بہ عمری طولانی مبنی بر صد و بیست سالگی رحلت کرد. برای تفصیل رجوع کنید بہ «ریاض الشعرا» تألیف والہ داغستانی، «روز روشن» و مقالہ انگلیسی از مرحوم دکتر ہادی حسن بہ عنوان احوال و آثار و زمان ابوالقاسم کاهی انتشار یافتہ در مجلہ اسلامیک کلچر حیدرآباد. (نگارندہ)

ولی میرزا محمد فاخر متخلص به «مکین» بلاشک و تردید در شاهجهان آباد چشم به جهان گشود. بهگوان داس<sup>۱</sup> هندی از کلمه «صاحبزاده با بخت و جای» که در تذکره خود اشاره نموده تاریخ تولد فاخر مکین را از روی حساب ابجد برآورده است. عبارت مزبور مجموعاً عدد «۱۱۳۷» را به حساب می آورد که این مطمئناً تاریخ ولادت مشارالیه مطابق سنه هجری قمری می باشد.

بهگوان داس می نویسد که شهرت فضل و کمال فاخر مکین از مرز و سرحد هند عبور کرده در حدود ایران رسیده بود.

فاخر مکین هنگامی که به سن بلوغ رسید بیشتر علوم متداول را فراگرفت و سپس برای سخنگویی قریحه و ذوق طبعی را نشان داد و به مرور زمان در عمر بیست سالگی اشعار را

به کمال زیبایی و هنرمندی می سرود. مکین اولاً نزد فتوت حسین<sup>۲</sup> خان کاشمیری تلمذ می کرد و چندی بعد میرزا عظیم<sup>۳</sup> اکسیر اصفهانی شاعری برجسته و با هنر که در آن ایام به تازگی از ایران به هند وارد شده و به دهلی قدم رنجه فرمود و او را به شاگردی خود گرفت.

فاخر مکین در حین مدت کوتاهی تحت توجه و تربیت اکسیر اصفهانی، در آموزش نکات و غوامض سخنرانی پیشرفت های شایان ملاحظه نمود و تا یک مدتی در شهر دهلی از حیث شاعری شخیص فارسی اعتبار و اشتهار می داشته تا این که تحت اثر

۱. هندی لکهنوی، بهگوان داس، سفینه هندی (تذکره شعرای هند) (تألیف: ۱۲۱۹ هـ/ ۱۸۰۴-۵ م)، تصحیح سید شاه محمد عطاء الرحمن عطا کاکوی، پتنا، ۱۹۵۸ م، ص ۱۸۱.

۲. هندی لکهنوی، بهگوان داس، سفینه هندی (تذکره شعرای هند)، ضمیمه. فتوت حسین: شاعری از دیار کشمیر بود. در زمان سلطنت محمد شاه فرمانروای گورکانی به دهلی کوچید و همین جا اقامت گزین شد. (روز روشن، محمد مظفر حسین صبا لکهنوی، مطبع شاهجهانی، دارالاقبال، بهوپال، ص ۵۰۶).

۳. هندی لکهنوی، بهگوان داس، سفینه هندی (تذکره شعرای هند)، ضمیمه. میرزا عظیمای «اکسیر» اصفهانی به عهد حکومت محمد شاه از ایران به پایتخت دهلی وارد شد. نواب صفدر جنگ او را استخدام کرد. در هنر نقاشی چیره دست بود. علاوه از دیوانی یک مثنوی عاشقانه به عنوان «شاهد مشهود» هم به رشته نظم کشیده بود. نسخه خطی آثارش در موزه بریتانیا لندن نگهداری می شود. اکسیر چندی در دهلی سکونت داشت و سپس به عوت مهابت جنگ به مرشد آباد (بنگاله) رسید و آن جا به سال ۱۱۶۹ هجری بدرود حیات گفت. (رک: صبح گلشن، انیس الاحبا، و قاموس المشاهیر، جلد اول)

تهاجم احمد شاه ابدالی شهر دهلی بغارت رفت و عده کثیر از ساکنان این شهر به علت استیلاي هرج و مرج و اغتشاش وطن مألوف را ترک گفته سوی شهر و دیار بیگانگان کوچیدند. فاخر مکین هم به سبب شرایطی که در محیط این شهر حکمفرما بود، دهلی را وداع گفته سوی لکهنو حرکت کرد. قدرت الله<sup>۱</sup> گویاموی تاریخ منتقل شدن مکین به شهر لکهنو را در تذکره خود ذکر نموده که ۱۱۷۳ هجری می باشد. در لکهنو مکین به دولت سرای شیخ معزالدین که در آن هنگام یکی از شخصیت های مهم و مقتدر از آن شهر بود، اقامت گزین شد و تا مدتی سی سال به خانه شیخ مذکور به آسایش و آسودگی زندگی کرد تا این که به رحمت حق پیوست.

مکین در اثنای سکونت در لکهنو به قصد زیارت مرقد مطهر سید اشرف<sup>۲</sup> جهانگیر سمنانی به مسافرت دهکده «کچهوچه» واقع در ایالت اترپرادش رهسپار شد و بعد از به جا آوردن واجبات زیارت آرامگاه ولی موصوف نورالله مرقد مکین شهر فیض آباد حرکت کرد و آن جا در محوطه مسجد یونس مقیم شد. در این جا یکی از تلامذه وی وجیه الدین متخلص به «برین» که هنگام سکونتش در دهلی با او ربط و پیوند صمیمانه می داشت، به ملازمت شاه عالم آفتاب پادشاه مغول از شهر اله آباد وارد شده بود، از دیدار فاخر مکین که یکسر غیر مترقبه بود، خیلی خرسند و خوشحال شد و از او با اشتیاق و حرارت خواهش کرد که او «مکین» در سفر برگشت پادشاه به اله آباد همراه او در کوکبه شاهانه شریک شود. فاخر مکین پس از اندکی تردید و تأمل برای شمولیت در این سفر معاودت شاه عالم آماده گشت و به دیدار او رفت. پادشاه بدو بذل توجه

۱. قدرت گویاموی، محمد قدرت الله (م: ۱۲۸۰ ه): نتایج الافکار (تألیف: ۱۲۵۸ ه/ ۱۸۴۲ م)، مطبع سلطانی، بمبئی، ۱۳۷۷ هجری، ص ۴۱۶.

۲. پادشاه هند در اواخر سلطه گورکانیان و یکی از تلامذه فاخر مکین. سید اشرف جهانگیر: در سمنان چشم به جهان گشود. پدرش محمد ابراهیم فرمانروای سمنان بود. موصوف از اوایل زندگانی به شیوه درویشی مایل بود. چون به سن بلوغ رسید آسایش دنیوی را ترک کرد و تاج و تخت را به برادر خود واگذار کرده عازم سفر شد و بعد از سیر و سیاحت در شهرهای مختلف از کشور ایران آخر الامر وارد هندوستان شد. چندی در دهلی اقامت داشته و به قصد دیدن مقامات این کشور رهسپار شد و سرانجام در یک قصبه کوچکی موسوم به کچهوچه من مضافات بخش فیض آباد واقع در استان اترپرادش سکونت پذیر شد و همان جا به سال ۸۰۸ هجری درگذشت. (رک: بزم صوفیه [اردو]، ص ۴۴۱)

فرمود و او را مورد ارج و احترام ساخت. مکین به حضور پادشاه رباعی‌ای مندرجه زیرین را تقدیم نمود:

در خدمت شاه عالم و عالمیان      بنشست اگر مکین مزن طعنه بر آن  
بر خاک فتد ز خاکساری سایه      ناچار به پیش آفتاب تابان

فاخر مکین ماجرای مواجهه و مصاحبه خود با پادشاه موصوف در یک قصیده‌ای مطول به عنوان «سلسله‌الاحباب» به شرح و تفصیل به نظم کشیده است. حسین قلی<sup>۱</sup> خان عظیم‌آبادی هم درباره آغاز ربط و نزدیکی وی با پادشاه تذکر می‌دهد که او دوران اقامت موقتی برخی اشعار خود به منظور اصلاح‌گیری نزد مکین به لکهنو فرستاده بود. مکین حسب تقاضای پادشاه بعضی از ابیات فرستاده شده را مورد تصحیح قرار داده به خدمت پادشاه به‌الآباد برگرداند. سپس موقعی که فاخر مکین به فیض‌آباد رسید او به‌دربار پادشاهی فراخوانده شد و بنابر خواهش پادشاه او عازم‌الآباد شد و از دیدار پادشاه شرفیاب گشت و طبق همین مأخذ تخلص «آفتاب» برای پادشاه موصوف از جانب فاخر مکین تقدیم داشته شده.

به‌گوان داس<sup>۲</sup> در تذکره خود در خصوص اصلاح اشعار پادشاه به قلم فاخر مکین گزارشی مفصل ترقیم نموده است. او متذکر می‌شود که شاه عالم هنگامی که برای مراجعت به دهلی از ال‌آباد حرکت فرمود، مشارئ‌لیه دیوان اشعار خود را به منظور تصحیح و مشورت خواهی به فاخر مکین واگذار کرد و مکین چون به لکهنو برگشت مشتملات دیوان شاه عالم را تحت ملاحظه داشته و با اصلاحات و هدایات لازم به شاه عالم که در آن زمان به پایتخت دهلی سکونت می‌داشت، پس فرستاد.

برخی منابع مانند روزِ روش، نشتر عشق، نتایج‌الافکار، و شمع انجمن اطلاع می‌دهند که فاخر مکین به قصد دیدار شیخ علی حزین به بنارس مسافرت کرده بود ولی هیچ‌یک از منابع فوق‌الذکر تاریخ ملاقات مابین حزین و مکین را ذکر نکرده است. ولی احتمالاً فاخر مکین در اثنای سفر کچه‌وچه قریه‌ای من مضافات شهر فیض‌آباد که به عزم

۱. عاشقی عظیم‌آبادی، حسین قلی خان (ت: ۱۱۹۴ هـ) پسر آقا علی خان: نشتر عشق (خطی)، ص ۱۷۷۶.

۲. هندی لکهنوی، به‌گوان داس، سفینه هندی (تذکره شعرای هند)، ص ۱۸۱.

زیارت مرقد مبارک سید اشرف جهانگیر سمنانی آنجا رفته بود به بنارس وارد شده باشد. تذکره نشتر عشق هرچند خبر می‌دهد که فاخر مکین چند سال بعد از ورودش به لکهنو که به سال ۱۱۷۳ هجری اتفاق افتاده به بنارس رفته بود.

به طوری که لجهمی نراین شفیق<sup>۱</sup> در تذکره خود آورده، فاخر مکین هیچ‌گاه به رشته ازدواج منسلک نشده و تمام زندگی غیرمتاهل مانده. می‌نویسد:

”میرزا محمد فاخر صاحب نشئه و فخر است و به تأهل نپرداخت.“

قول مزبور به گفته قدرت الله گوپاموی که به قرار ذیل است به اثبات می‌رسد:

”میرزا در شاهجهان‌آباد تولد و نشو و نما یافته از آنجایی که نشئه فخر در سر داشت و به تأهل نپرداخت.“

ولی موهن لعل انیس مؤلف تذکره‌ای<sup>۲</sup> و تلمیذی ارجمند فاخر مکین در فن شعرگویی ترجمه احوال یک شاعری موسوم به میرزا علی امان متخلص به «ثمین» را در تذکره خود شامل داشته که در بابت وی به طور ذیل می‌نویسد:

”سخن سنج معنی آفرین، میرزا علی امان ثمین خلف‌الصدق حضرت ارشاد پناهی است. کتب متداوله فارسی از معلم غلام سرور نامی تحصیل کرد که ناگاه ارشاد پناهی شد.“

و مظفر حسین<sup>۳</sup> «صبا» هم در تذکره خود شرح حال شاعر مومی الیه را به شرح ذیل اظهار می‌دارد:

”میرزا علی امان لکهنوی خلف میرزا فاخر مکین بود، به تلاش وجه معاش از لکهنو به کلکته رسید و راهی به مقصد نیافته از آنجا به شهر هوگلی به مکان قاضی محمد صادق خان اختر اقامت گزید و از همانجا به عالم آخرت شتافت.“

۱. شفیق اورنگ‌آبادی، منشی لجهمی نراین: گل رعنا (تألیف: ۸۲-۱۱۸۱ هـ) (خطی)، شماره ۷۰۱، کتابخانه خدابخش، پتنا، برگ ۲۲۸.

۲. انیس لکهنوی موهن لعل (م: ۱۲۲۹ هـ): انیس‌الاحتبا، ترتیب و تقدیم پروفیسور انوار احمد، خدابخش اوریتل پبلک لائبریری، پتنا، ۱۹۹۶ م.

۳. صبای لکهنوی، محمد مظفر حسین: روز روشن (تألیف: ۱۲۹۷ هـ/۱۸۸۰ م)، مطبع شاهجهانی، دارالاقبال، بهوپال، ۱۲۹۷ هـ/۱۸۸۰ م، ص ۶۴۷.

لهذا به موجب اطلاعات مذکوره بالا وجود شخصیت میرزا علی امان «ثمین» یک دلیل قوی و تأییدکننده این واقعیت را به هم می‌رساند که فاخر مکین حتماً زن گرفته و احتمالاً این ازدواج به زمان سالخوردگی او بعد از سال ۱۱۸۰ هجری به وقوع نپیوسته باشد، وقتی که «شفیق» تذکره خود «گل رعنا» را به تکمیل رسانده بود، ولی از قدرت الله گوپاموی (مؤلف نتایج/افکار) صرف نظر نمی‌توان کرد که تذکره خود را به سال ۱۲۵۷ هجری سی و شش سال بعد از وفات فاخر مکین که به سال ۱۲۲۱ هجری واقع شده به انجام رسانده بود. محتمل است قدرت الله نقل قول از تذکره شفیق کرده باشد.

علاوه بر استعداد خداداد در فن سخن‌پردازی، مکین در شعبه نثرنگاری مکاتیبی که به دوستان و تلامذه عزیز خود نوشته و به یادگار گذاشته است از لحاظ اختصاصات ادب و فرهنگ خیلی ارزنده و درخور توجه می‌باشد.

فاخر مکین به تاریخ بیست و هفت (۲۷) محرم به سال ۱۲۲۱ هجری مطابق ۱۸۰۶ میلادی به عارضه فلج درگذشت. موهن لعل «انیس» تلمیذ مکین تاریخ وفات وی را با حروف‌المثل که منحصر است به «میرزا محمد فاخر» به طریق جمل دریافته است. بیش از این «انیس» درباره تاریخ رحلت مکین سه قطعه نظم کرده است که در تذکره‌اش موجود است. یکی از اینها به طور ذیل می‌باشد:

مکین بود فخر زمان و زمین      سوی لامکان زین مکان شد روان  
به سالش ندا آمد از آسمان      «ز دنیا مکین رفته بر لامکان»

برخی تذکره‌نگاران اظهار نظر کرده‌اند که مکین خیلی زود رنج، خودبین و خودپسند بود. وقتی که با کسی صحبت می‌کرد اکثراً به رنجش و آزرده‌گی و جان‌بین منتج می‌شد و این منابع مزید اشاره می‌کند که به سبب تندخویی مکین دانشمندان شهر ندرتاً به قصد دیدن وی به خانه‌اش می‌رفتند. مصحفی<sup>۱</sup> هنر و استعداد شعری مکین را مورد انتقاد قرار داده می‌گوید که او به صحت کاربرد واژگان و اصول و قواعد عروض توجه

۱. مصحفی همدانی امروهوی، شیخ غلام (م: ۱۲۴۰ ه): عقد ثریا (تألیف: ۱۱۹۹ ه/ ۱۷۸۵ م)، مرتبه مولوی عبدالحق (علیگ) و معتمد اعزازی، انتشارات انجمن ترقی اردو، اورنگ‌آباد دکن، ۱۹۳۴ م، ص ۵۳.

خصوصی می‌داشته و احمد علی سندیلوی<sup>۱</sup> قریحه شعری وی را تحسین می‌کند و می‌گوید که او تقاضاهای شعری را در جمله اصناف سخن مانند غزل، قصیده، رباعی و متقطعات به‌نحو احسن ایفا می‌کند.

تذکره «نشر عشق» خبر می‌دهد که در مجالس شعری که در شهر لکهنو منعقد می‌شد، فاخر مکین دائماً نسبت به شعرای عامی و عادی به‌جایگاه بلندتر نشست می‌داشت. به‌گوان داس<sup>۲</sup> می‌نویسد که شهرت فضل و کمال فاخر مکین از مرز و سرحد هند عبور کرده در حدود ایران رسیده بود. «شفیق» در تذکره خود بازگو می‌کند که یک‌بار در یک مجلس شعرخوانی شاعری بر مطلع غزلی از مکین نکته گرفت و مکین بر این بنا رنجیده گشت و یک قصیده شکوانیه نظم کرده جواب نکته طعنه‌آمیز آن شاعر را داد. قصیده اشاره شده به «محضرالآمان» موسوم است که مکین در بحر و وزن قصیده انوری<sup>۳</sup> گفته بود. چند اشعار از این قصیده به شرح ذیل نقل می‌شود:

کامل نکته سنج غیر حزین	بعلی گر در این زمان باشد
هم بجای متین کسی نرسد	هرچه گوئیم جای آن باشد
غیر از این یک دو خسرو معنی	که سخن پایه تخت‌شان باشد
دیگری را چه زهره در بر من	که چنین گوید و چنان باشد
خنده خواهد بریش خویش زدن	خود چو او شاخ زعفران باشد
گوی و چوگان گرفته‌ایم اینک	مرد میدان اگر فلان باشد

یک نسخه خطی دیوان<sup>۴</sup> فاخر مکین در کتابخانه خدابخش پتنا نگهداری می‌شود. آغاز نسخه هذا از سه قصیده می‌باشد به‌عنوانات فراقیه، محضرالآمان و سلسله‌الاحباب - قصیده آخرالذکر دارای ارزش و قدر زیاد بدین موجب می‌باشد که مکین در این

۱. هاشمی سندیلوی، شیخ احمد علی خان: مخزن‌الغرائب (خطی)، شماره ۷۱۳، کتابخانه خدابخش، پتنا، برگ ۸۵۹.

۲. هندی لکهنوی، به‌گوان داس، سفینه هندی (تذکره شعرای هند) (تألیف: ۱۲۱۹ هـ/ ۱۸۰۴-۵ م)، تصحیح سید شاه محمد عطاء‌الرحمن عطا کاکوی، پتنا، ص ۱۸۱.

۳. گر دل و دست بحر کان باشد دل و دست خدایگان باشد

۴. مکین شاهجهان‌آبادی، میرزا محمد فاخر: دیوان فاخر مکین (خطی) شماره ۵۹۶، اوراق ۲۶۷، کتابخانه خدابخش، پتنا.

قصیده طویل تلامذۀ خود را ذکر کرده و علاوه بر این روی دادهای سفر خود به فیض آباد، اله آباد و کچهوچه را مشروحاً بیان کرده است و مقدمات و پیشامدهای ملاقات خود را با پادشاه شاه عالم تذکر داده است. بعد از این نسخه خطی مذکوره حدوداً چهار صد غزل به ترتیب حروف تهجی دربردارد. مطلع غزل اولین به قرار ذیل به ملاحظه می آید:

اگر پروای عقبی داری و اندیشه موی<sup>۱</sup>      الایا ایها المشغول فی الدنیا دع الدنیا  
و پس از این یک ترجیع بند بر بیت فیضی دارد که نخستین بند به طور ذیل می باشد:

رفتگی و ز چشم تر نرفتگی      از خاطر و از نظر نرفتگی  
رفتگی وز دیده تصور      ای روشنی بصر نرفتگی  
رفتگی و ز بس که در خیالی      دانم که تو در سفر نرفتگی...

سپس مخمسات بر غزلهای حافظ، نظیری و حزین در این نسخه دیده می شود.

مخمسی که بر غزل حافظ منظوم شده این طور شروع می شود:

عمری بناز و نعمت خوش بود وقت ما را      امروز درد و محنت آورده صد بلا را  
از من بدل دعای جان و دل شما را      دل می رود ز دستم صاحبان خدا را  
دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا

و مخمسی مبنی بر شعر نظیری به قرار زیرین ابتدا می شود:

کجا بودی که رسوا ساختی بی خانمانی را      کجا بودی که بی طاقت نمودی ناتوانی را  
کجا بودی که بر آتش فشانندی بدگمانی را      کجا بودی که امشب سوختی آزرده جانی را  
به قدر روز محشر طول دادی هر زمانی را

و مخمسی که ذیلاً درج می شود بر شعر حزین تضمین کرده شده:

گر می عشق چو پروانه دل و جانم سوخت      هر نفس شمع صفت دیده گریانم سوخت  
نی همین داغ دل از آتش پیمانم سوخت      آمد آن شمع شبی بر سر و سامانم سوخت  
جستم از جای چنان گرم که دامنم سوخت

دیوان مکین مثنویات مختصری و قطعاتی چند هم دارد و بر رباعیات که شمارش حدود هشتاد می باشد اختتام می پذیرد. شمه ای از رباعیات مکین مثلاً درج ذیل می گردد:

یار به سلوک یکدلی بخش مرا      با فکر خفی ذکر جلی بخش مرا



از خجلت عصیان به‌گداز آمده‌ام      بگذار به‌حرمتِ علی بخش مرا

\*

باغی و بهاری و تماشایی هست      در خانه چرا نشسته‌ای جایی هست  
هرچند بکف هیچ نداری برخیز      دستی اگر ت نیست مکین پای هست

\*

زاهد به‌خیال خویش مستم داند      کافر به‌گمان خداپرستم داند  
مُردم ز غلط فهمی مُردم مُردم      ای کاش کسی هر آنچه هستم داند  
و شعری چند از غزل‌های مکین به‌طور استشهاد این‌جا مندرج می‌شود:  
دامن فشان گذشت و ادا را بهانه ساخت      خاکم به‌باد داد و صبا را بهانه ساخت  
دستی بدوش غیر نهاد از سر کرم      ما را چو دید لغزش پا را بهانه ساخت  
در کار خود به‌رنگ دگر دست می‌زند      خونم به‌کاربرد و حنا را بهانه ساخت

\*

دارم دلی از دست او رسوای دوران در بغل  
داغ جنون در آستین چاک گریبان در بغل  
بیخود شدم جانست این پا آفت دل در درون  
مُردم دلست این دوستان پا دشمن جان در بغل  
از عشق جانان گر چنین بی‌قدر گردد کفر و دین  
سر از خجالت می‌کشد گیر و مسلمان در بغل

فاخر مکین شاعر خوش قریحه و دارای تبخّر کامل در دقایق و غوامض فن، لزومات جمله صنوف سخن را به‌نحو احسن بجا آورده است. در سدهٔ دوازدهمین هجری در زمرهٔ شعرای لکهنو به‌استثنای عبدالرضا پتن کسی هم‌تا و همانند او نبود. علاوه بر استعداد خداداد در فن سخن‌پردازی، مکین در شعبهٔ نثرنگاری مکاتیبی که به‌دوستان و تلامذهٔ عزیز خود نوشته و به‌یادگار گذاشته است از لحاظ اختصاصات ادب و فرهنگ خیلی ارزنده و درخور توجه می‌باشد.

مجموعه مکاتیب مکین موسوم به «گلزار جعفری» را جعفر خان «راغب»<sup>۱</sup> تلمیذ دانشمند او در فن سخنگویی، گردآورده بود. در بعضی از این نامه‌ها مکین مشکلات و مواردی توضیح طلب که احباب و تلامذه وی برای حل و فصل آنها به وسیله مراسلات بدو رجوع نموده و راهنمایی طلب کرده‌اند را مشروحاً به قاطعیت تحلیل نموده است.

جعفر خان راغب این مجموعه مکتوبات مکین محتوی بر «چهار چمن» را به سال ۱۱۹۰ هجری مرتب نموده بود. سه نسخه خطی از این مجموعه هنوز موجود است. نسخه‌ای که تحت ملاحظه راقم آمده قبلاً ملک استاد روانشاد فارسی پروفیسور افسرالدوله فیاض‌الدین حیدر رئیس اسبق مؤسسه تحقیقات فارسی و عربی پتنا بوده ولی اکنون به کتابخانه خدابخش محول شده آنجا نگهداری می‌شود. نسخه دوم «گلزار جعفری» شامل فهرست کتابخانه ملی کلکته می‌باشد. نسخه سومین در کتابخانه شخصی از مرحوم پروفیسور سید مسعود حسن رضوی لکهنو موجود است. یکی از مکاتیبی از فاخر مکین که به جواب عریضه‌ای از موهن لعل «انیس»<sup>۲</sup> مؤلف تذکره «انیس الاحبا» به رشته تحریر درآورده شده و در مجموعه مزبور شامل است، برای نقد و ارزیابی مورد نظر خوانندگان قرار داده می‌شود:

در جواب عریضه لاله موهن لعل انیس:

”دوست معنی‌یاب تذکره‌نویس لاله موهن لعل انیس کامیاب باشند. ذوق و شوق روزافزون است دیگر نمی‌دانم که چون است. عمر به غفلت می‌گذرد و دل بیخبر غافل است و افسوس نمی‌خورد. افسوس که نفس چند مستعار را غنیمت نمی‌شمارم و به صد هوا و هزار هوس گرفتاریم. خوشا آزادی که از بند آرزوها رسته و از دام خواهش‌ها جسته، خط شما دیده و دل خرسند گردیده. پیشتر در جواب خط یک‌بار دو سه کلمه متضمن زندگی سراپا شرمندگی خود نوشته به‌خانه ساهوکارزاده که نامش می‌بردید و خیراندیشیش می‌آوردید فرستاده، آنچه معلوم شد نرسانیده و شما را شاکی گردانید. شکایت بجاست. حق طرف شما

۱. شاعر دو زبانه (فارسی و اردو) تلمیذ فاخر مکین در شعر فارسی.

۲. تلمیذ فاخر مکین در شعر فارسی.

است. او سبحانه جلّ شانه فضل خود نماید مترّد نباید بود. قادر توانا همه آسان تواند نمود. عرصه روزگار تنگ است، قناعت نمودن علامت دانش و فرهنگ است. از این است که با وجود رنج و تعب زمانه گوشه‌گیران پا به‌دامن کشیده‌اند... از دورنگی بعضی نااهلان که هزار رنگ ایذا دیده می‌شود چه نگارد که خامه با هیچ رنگ با کسی گفت و شنود ندارد...»

قبل از این‌که این مقاله به‌پایان رسد مناسب بود معارضه معروف سودا و مکین اینجا اظهار داشته شود. طوری‌که در سطور بالا نظرات بعضی تذکره‌نگاران پیرامون طبیعت و شخصیت مکین به‌ذکر آمده منجر بدین معنی می‌رسد که با وجود این‌که مکین یک شاعر ارجمند و کم‌نظیر بود، خودبینی و تبختر در مزاج طبعش غلبه می‌داشت و این معارضه ادبی که ذیلاً به‌اختصار تذکر داده می‌شود، واقعاً حاکی از طبع خودپسند و خوی تکبرآمیز او می‌باشد.

ماجرای این معارضه آنچه میرزا محمد رفیع متخلّص به «سودا»<sup>۱</sup> شاعری دوزبانه (فارسی و اردو) در رساله‌ای بنام «عبرت‌الغافلین» ترقیم نموده، ملخصاً این‌طور است که شخصی موسوم به اشرف علی خان یک تذکره‌ای را ترتیب داده بود مشتمل بر تخمیناً صد هزار بیت و برای اصلاح خواستن بر محتویات این مجموعه مشارالیه به‌فاخر مکین تقرّب جست. مؤخرالذکر بدو گوش‌زد کرد که تقاضای وی بدین شرط پذیرفته شود که او را اختیار و اجازه داده شود برای قلمزد کردن و خطّ بطلان کشیدن بر اشتباهات و تسامهات شعرای هندی بشمول فیضی، ناصر علی، بیدل، آرزو و شمس‌الدین فقیر و هم تصحیح نمودن خطاهای شعرای ایرانی. اشرف علی خان این شرط را نتوانست قبول کند و دل‌شکسته و مایوس او به‌شیخ آیت الله «ثنا»<sup>۲</sup> رجوع کرد و مساعدت خواست. شیخ موصوف برای تصحیح در مشتملات تذکره اشاره شده راضی گشت ولی متأسفانه فقط بخشی از مشتملات این تذکره تحت ملاحظه داشته و اصلاح کرده بود که ناگهان

۱. میرزا محمد رفیع متخلّص به «سودا» شاعر دوزبانه (فارسی و اردو) به‌سال ۱۱۲۵ هجری مطابق ۱۷۷۳ میلادی متولد شد و به‌سال ۱۱۹۵ هجری مطابق ۱۷۸۱ میلادی درگذشت. (نگارنده)

۲. وطنش شاهجهان‌آباد بود، ولی بعضی تذکره‌نویسان آیت الله «ثنا» را به‌کشمیر منسوب کرده‌اند. در شعر فارسی یکی از تلامذه شیخ علی حزین بود. (نگارنده)

به یک کار لازم به فیض آباد شتافت. اشرف علی خان بیچاره و بیزار باز نزد مکین با تذکره خود حاضر شد و این بار مکین از بیچارگی اشرف علی خان سوء استفاده کرده او را وادار به پذیرفتن شرایط خود کرد. خان موصوف در حال اضطراب و عدم اطمینان تذکره را برای اصلاح به مکین واگذار کرد و چندی بعد او اطلاع یافت که فاخر مکین اشعار سخنورانی بزرگ و برجسته از ایران و هند بعد از زیاد را غلط قرار داده و بر آنها قلمزده است. از استماع این واقعه دلخراش و آزارسان خان موصوف بسیار رنجیده گشت و تذکره را به بهانه‌ای به تصرف خود آورد و به قصد انصاف خواهی و احقاق حق در این مسئله به میرزا رفیع «سودا» رجوع کرد. سودا تذکره خان موصوف را برای ملاحظه ستاند ولی ابتدا مکین بدین موجب که او فاخر مکین را یک شاعری قدرتمند و با استعداد به حساب می‌آورد و خیلی گرامی میداشت، نمی‌خواست بر تصحیحات او اظهار نظر کند ولی وقتی که تذکره را تحت ملاحظه خود داشت و او مستحضر شد که مکین اشعار شعرای معروف و ممتاز مانند سعدی، امیر خسرو، مولانا روم و جامی را هم هدف تصحیح قرار داده و بر آنها خط بطلان کشیده است، خیلی عصبانی شد و آن قدر از این حرکت ناروای مکین ملول و متأثر گشت که به منظور پاسخ دفاعی، او یک رساله‌ای بنام «عبرت الغافلین»<sup>۱</sup> به نگارش آورده و بدین وسیله شعرای ممتاز و مسلم الثبوت که اشعارش مورد قلم خوردگی او شده را دفاع کرد. رساله مذکوره که در «کلیات سودا» شامل است محتوی بر پنج فصل می‌باشد. فصل اول سبب نویسندگی رساله مذکوره را بیان می‌کند. در فصل دوم سودا اشعار شعرائی که مکین بر آنها قلمزده و باطل قرار داده را مندرج کرده است و فصل سوم تصمیمات و تحریفات مکین بر اشعار شعرائی که در سایر جهان ادب فارسی مسلم و محقق به شمار می‌آیند را بروز می‌دهد.

در فصل چهارم و پنجم سودا در عکس العمل خرده‌گیری‌ها اعتراضات ناشایست مکین بر اشعار نغز و نفیس شعرای ممتاز فارسی، برخی اشعار مؤخرالذکر که به دیدگاه

۱. سودای دهلوی، میرزا محمد رفیع پسر میرزا محمد شفیع (م: ۱۱۹۵ هـ): کلیات سودا، مطبوعه نولکشور، لکهنو، ص ۷۱-۳۴.

او نامعتبر و غیرمحکم به حساب می‌آمد را با دلایل موجّه مورد نکته‌گیری قرار داده است. اکنون بعضی اشعار سروده شعرای نامدار که مکین بر آنها خرده‌گیری کرده و الفاظ و کلمات را تغییر داده است ذیلاً نقل می‌شود:

نورالعین واقف (از پنجاب)

دیدم سحر ز مرغ چمن زاد در سفر نالیدنی که زلزله افتاد در قفس

در مصرعه دوّم از بیت فوق‌الذکر مکین بجای کلمه نالیدنی لفظ «بیتابی‌بی» آورده است و بر ای تحریف دلیل آورده است که نالیدن به‌شنوایی نسبت دارد، لذا اینجا مناسبت ندارد. سودا این مسئله را مورد سنجش قرار داده اظهار نظر می‌کند که شعرای معتبر از هند و ایران به‌تعداد معتدابه ناله و گریه را به‌کیفیت بینایی منسوب کرده‌اند و بنابراین تحریف مکین شایسته نیست. شعری معروف از مولانا روم که درج زیرین می‌شود را مکین به‌هدف تغییر ساخته است:

من با تو نمی‌گفتم کم ده دو سه پیمانه من مستم و تو مستی اکنون که برد خانه

مکین مصرعه دوّم در شعر فوق کلمه «من مستم و تو مستی» را به «من مست و تو گشتی مست» تغییر داده است. سودا فکر می‌کند که دگرگون کردن بیت مولانا روم توسط مکین، یک فعل بی‌معنی و غیرمفید مرتکب شده است که به‌سبب این تحریف حسن و فصاحت شعر هُذا برباد رفته است.

اشعار زیرین شیخ علی حزین را هم مکین مورد نکته‌گیری قرار داده است:

می‌گرفتیم به‌جانان سر راهی گاهی

او هم از لطف نهان داشت نگاهی گاهی

دو سه روزی ست که دزدیده نگه وین عجب است

نه ثوابی ز من آمد نه گناهی گاهی

به‌مصرعه دوّم در بیت اوّل مکین «نهان» را «به‌ما» تبدیل می‌کند و به‌مصرعه دوّم در بیت دوّم بجای «ثوابی»، «خطابی» درآورد. سودا این تصمیمات را ناروا می‌پندارد. مکین شعر میرزا صائب که درج ذیل می‌شود را هم بی‌سبب تغییر می‌کند:

یک دیدنش برای ندیدن کفایت است هرچند روی مردم دنیا ندیدنی ست

مکین مصرعه دوّم از شعر مندرجه بالا را به «یک دیدنی برای ندیدن بود ضرور» تغییر می‌کند. این تبدیل‌ها از نگاه سودا یکسر بی‌معنی است. همین‌طور اشعار عدّه زیادی از شعرای معروف فارسی هدف تحریفات نادرست و ناخوشایند مکین قرار گرفته است. سودا از ذهنیت خودپسندانه و شیوه غیرمنصفانه مکین خیلی آزرده گشت و تحت استیلاى رنج و خشمگینی لاجرم او شمه‌ای از ابیات مکین را مورد انتقاد و خرده‌گیری قرار داده است. مثالی چند از اشعار مکین که سودا بر آنها ایراد گرفته به‌قرار ذیل می‌باشد:

گرفته بود در این بزم چون قدح دل من شکفته رویی صهبا شکفته کرد مرا  
 «سودا» قضاوت می‌کند که شعرای مستند از هند و ایران دایماً واژه قدح را برای اظهار شادمانی و خرّمی به‌کاربرده‌اند و گاهی قدح را به‌گل تشبیه داده‌اند و هیچ‌گاه مانند مکین در شعر فوق به‌علامت این واژه دل‌آزدگی و غمگینی معنی نکرده‌اند.  
 کجا روم چه شوم چون کنم چسان سازم گذار من به‌سر کوی قاتل افتاده است  
 شعر مندرجه بالا را «سودا» مورد انتقاد قرار می‌دهد و توجیه می‌کند که عاشق صادق کوی محبوب را مع‌الوصف این‌که آن‌جا آفات و آسیب‌ها برخورد می‌کند خیلی عزیز می‌دارد و آن را مقام سعادت و میمنت تلقی می‌کند درحالی‌که مکین در شعر بالا کوچه یار را جای مصیبت و نکبت تصور می‌کند و این روش شعری از طرز تفکر و شیوه بیان شعرای ذی‌اعتبار فارسی انحراف دارد.

### منابع

۱. ابوطالب تبریزی اصفهانی، میرزا ابوطالب خان بن حاجی محمد بیگ خان: خلاصه‌الافکار (خطی)، شماره ۷۱۲، کتابخانه خدابخش، پتنا.
۲. انیس لکهنوی موهن لعل (م: ۱۲۲۹ هـ): انیس‌الاحبا، ترتیب و تقدیم پروفیسور انوار احمد، خدابخش اورینتل پبلک لائبریری، پتنا، ۱۹۹۶ م.
۳. سلیم بهوپالی، سید علی حسن خان: صبح گلشن، مطبع شاهجهانی، بهوپال، ۱۲۹۵ هـ/ ۱۸۷۸ م.
۴. سودای دهلوی، میرزا محمد رفیع پسر میرزا محمد شفیع (م: ۱۱۹۵ هـ): کلیات سودا، مطبوعه نولکشور، لکهنو.

۵. شفیق اورنگ‌آبادی، منشی لچهمی نراین (م: ۱۲۲۳/۱۸۰۸ م): گل رعنا (تألیف: ۸۲-۱۱۸۱ هـ) مکتوب پنجم جمادی‌الآخر ۱۲۰۴ فصلی/۱۹۹۷ م/۱۱۸۲ هجری (در حیات مؤلف)، شماره ۷۰۱، کتابخانه خدابخش، پتنا.
۶. صبای لکهنوی، محمد مظفر حسین: روز روشن (تألیف: ۱۲۹۷ هـ/۱۸۸۰ م)، مطبع شاهجهانی، دارالاقبال، بهوپال، ۱۲۹۷ هـ/۱۸۷۹ م.
۷. عاشقی عظیم‌آبادی، حسین قلی خان (ت: ۱۱۹۴ هـ) پسر آقا علی خان: نشتر عشق (تألیف: ۳۳-۱۲۲۴ هـ) (خطی)، شماره ۷۱۶، گنجینه بانکی پور، کتابخانه عمومی خاورشناسی خدابخش.
۸. قدرت گوپاموی، محمد قدرت‌الله (م: ۱۲۸۰ هـ): نتایج‌الافکار (تألیف: ۱۲۵۸ هـ/۱۸۴۲ م)، مطبع سلطانی، بمبئی، ۱۳۷۷ هجری.
۹. مصحفی همدانی امروهوی، شیخ غلام (م: ۱۲۴۰ هـ): عقد ثریا (تألیف: ۱۱۹۹ هـ/۱۷۸۵ م)، مرتبه مولوی عبدالحق (علیگ) و معتمد اعزازی، انتشارات انجمن ترقی اردو، اورنگ‌آباد دکن، ۱۹۳۴ م.
۱۰. مکین شاهجهان‌آبادی، میرزا محمد فاخر: دیوان فاخر مکین (خطی) شماره ۵۹۶، اوراق ۲۶۷، کتابخانه خدابخش، پتنا.
۱۱. مکین شاهجهان‌آبادی، میرزا محمد فاخر: گلزار جعفری (مجموعه مکتوبات مکین) (خطی) مرتبه جعفر خان راغب، کتابخانه خدابخش، پتنا.
۱۲. نواب قنوجی بخارایی، امیرالملک سید محمد صدیق: شمع انجمن، به‌اهتمام مولوی محمد عبدالمجید خان، مطبع شاهجهانی، بهوپال، ۱۲۹۳ هـ/۱۸۹۶ م.
۱۳. واله داغستانی، علی قلی خان: ریاض‌الشعرا (تألیف: ۱۱۶۱ هـ/۱۷۴۸ م)، تصحیح پروفیسور شریف حسین قاسمی، کتابخانه رضا، رامپور، ۲۰۰۱ م.
۱۴. هاشمی سندیلوی، شیخ احمد علی خان: مخزن‌الغرائب (خطی)، شماره ۷۱۳، کتابخانه خدابخش، پتنا.
۱۵. هندی لکهنوی، بهگوان داس، سفینه هندی (تذکره شعرای هند) (تألیف: ۱۲۱۹ هـ/۵-۱۸۰۴ م)، تصحیح سید شاه محمد عطاء‌الرحمن عطا کاکوی، پتنا، ۱۹۵۸ م.